

نقشبندی خالديه در گروس: دامنه فعالیت‌ها، مراکز و کارکرد مذهبی

سید سعید حسینی^۱

سید احمد رضا خضری^۲

چکیده

طریقت نقشبندیه را در کردستان بیشتر با نام مولانا خالد شهرزوری (۱۱۹۳-۱۲۴۲ ه.ق) می‌شناسند؛ چرا که با کوشش‌های او، شاخه جدیدی به نام خالديه در سرزمین‌های عثمانی و به ویژه در کردستان سده سیزدهم هجری گسترده شد. نظر به این گستردگی، دامنه اثرگذاری‌های آن بر جامعه کردی نیز قابل توجه بود؛ از جمله آن‌که در ناحیه گروس - به دلیل بافت مذهبی این منطقه - ترویج و دفاع از باورهای اهل سنت و جماعت به یکی از اصلی‌ترین کارکردهای آن تبدیل شد. این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای، بهره‌گیری از پاره‌ای تحقیقات میدانی و به‌کارگیری روش توصیفی، در پی نشان دادن چگونگی این اثرگذاری است. برای رسیدن به این هدف، فعالیت رهبران و پیروان برجسته نقشبندیه در این ناحیه بررسی شده است:

خاندان سادات نقشبندی در روستای امروله به عنوان رهبران محلی این طریقت، در مجاورت ناحیه گروس مستقر بودند. آنان با ایجاد «خانقاه - مدرسه» و جذب عالمان و طالبان علوم دینی، در صدد توسعه تفکر نقشبندی برآمدند و از این طریق، بر روستاهای سنی‌نشین گروس اثر می‌گذاشتند. به علاوه، سید محمد الیاسی (۱۳۵۴-۱۲۹۵ ه.ق) - مشهور به اشرف الحکمای سنندجی - با استقرار در روستای حسین‌خان گروس و جمع‌آوری گیاهان دارویی، از راه درمان‌گری، جراحی و شکسته‌بندی، به یکی از مراجع پزشکی آن منطقه در دوره قاجاری تبدیل شد. او از پیروان شیخ عمر ضیاءالدین (۱۲۵۵-۱۳۱۸ ه.ق) بود و با سادات نقشبندی امروله، تعاملات خانوادگی داشت. بعدها، خلیفه عباس رضایی (د. ۱۴۰۳ ه.ش) نیز، به عنوان یکی از آخرین ترویج‌دهندگان این طریقت در آن سامان، بخشی از فعالیت‌های تبلیغی خود را به روستای قرخلر - از آخرین روستاهای سنی‌نشین گروس - اختصاص داد و به این ترتیب، در همان چهارچوب کارکردی فعالیت کرد.

واژگان کلیدی: طریقت نقشبندیه، گروس، سادات نقشبندی امروله، اشرف الحکمای سنندجی، خلیفه عباس رضایی، روستای قرخلر

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران (nassimsaroupiri@gmail.com)

۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران (akhezri.ut.ac.ir)

۱. مقدمه

مطالعات صورت گرفته درباره تصوف، بیشتر بر وجوهی چون معرفی شاخه‌های مختلف و فعالیت رهبران و شیوخ آن‌ها متمرکز است. در کردستان نیز، پژوهش‌ها معمولاً با رویکردی مشابه از دو طریقت عمده نقشبندیه و قادریه گفته‌اند و عمدتاً در صدد توصیف وضعیت آن‌ها در سده‌های اخیر بوده‌اند. این در حالی است که جریان‌های صوفیه همواره با تحول و تطور مواجه بوده‌اند و به دلیل قرارگیری در نواحی جغرافیایی مختلف، عملکرد و کارکرد متفاوتی داشته‌اند. نقشبندیه از جمله این طریقت‌هاست که پس از پیدایش در سده هشتم هجری در بخارا (رک: ادامه)، به یکی از گسترده‌ترین شاخه‌های تصوف در جهان اسلام تبدیل شد. با ملاحظه این نکته که نمودهای عملکردی رهبران این طریقت در مناطق مختلف، متفاوت بوده است، می‌توان به مطالعه کاردهای آن در کردستان نیز پرداخت.

چنان‌که در ادامه خواهیم گفت، این طریقت در سده سیزدهم هجری به وسیله مولانا خالد شهرزوری، در عثمانی و با مرکزیت سلیمانیه دوره بابانی، گسترش یافت و به زودی به یکی از جریان‌های اصلی اثرگذار در فرهنگ دینی جامعه کردی تبدیل شد. از آن‌جا که جامعه کردی را به لحاظ دینی و مذهبی متکثر دانسته‌اند، ضروری است چگونگی کارکرد این طریقت در این ساختار بررسی شود. به همین دلیل، در پژوهش پیش رو در پی آن هستیم تا با در نظر گرفتن چنین رویکردی، به دامنه فعالیت‌ها و مراکز رهبران نقشبندیه به عنوان طریقتی سنی، در گروس هم‌چون ناحیه‌ای با گرایش مذهبی بیشینه شیعه، پردازیم. از این رو، در ابتدا نسبت پژوهش با جغرافیای گروس را روشن خواهیم کرد، آن‌گاه پس از بیان اجمالی از پیدایش طریقت نقشبندیه، به سیر تاریخی ورود آن به کردستان و شکل‌گیری میراث خاندانی در میان پیروان این طریقت می‌پردازیم و سپس، فعالیت‌های سادات امروله را در مجاورت ناحیه گروس و دو شخصیت اثرگذار دیگر از آنان را بررسی خواهیم کرد.

۲. نسبت مسأله پژوهش با جغرافیای گروس

گروس نام ناحیه‌ای مرتفع در کردستان است که عنوان پیشینی آن در حدیقه ناصریه از وقایع‌نگار کردستانی، به صورت زرین‌کمر آمده است.^۱ پیش از او، میرزا سمیعا (حدود ۱۱۴۵ ه.ق) نواحی گروس، طغمانین و زرین‌کمر را روی هم‌رفته ولایتی زیر نظر حاکم گروس دانسته است.^۲ اعتمادالسلطان نیز گروس را به عنوان یکی از ایالات ایران در سال ۱۲۷۸ ه.ق معرفی کرده است.^۳ شهرت بیشتر این ناحیه در دوره قاجار، به نام

۱. وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر، حدیقه ناصریه، ص ۹۰.

۲. میرزا سمیعا، محمد سمیع، تذکره الملوک، ص ۸۵.

۳. اعتماد السلطان، تاریخ منتظم ناصری، ص ۱۳۰۲.

حسنعلی خان امیر نظام گروسی (۱۲۳۷-۱۳۱۷ ه.ق) بازمی‌گردد. بعدها در جغرافیای سیاسی نوین، عنوان گروس از نام این منطقه حذف شد و اکنون بخش‌هایی از آن در چهارچوب شهرستان بیجار گنجانده شده است.^۱ بر پایه این تقسیم‌بندی‌ها، گروس از شرق به زنجان، از غرب به کردستان اردلان، از شمال به خمسه و افشار و از جنوب به همدان محدود می‌شود که در سال ۱۳۱۱ ه.ش به بخش‌های گرانی، سیلتان، سیاه‌منصور، نجف‌آباد، خسروآباد، پیرتاج و بیجار تقسیم شد.^۲ بیجار به عنوان مرکز آن، مرتفع‌ترین شهر کشور است و به همین دلیل، به آن بام ایران هم می‌گویند.^۳ نگارندگان فرهنگ مردم گروس، ۷۰ درصد جمعیت این ناحیه را شیعه و ۳۰ درصد باقی را سنی دانسته‌اند.^۴ نواحی سنی‌نشین گروس، در مرزهای شرقی آن قرار گرفته‌اند. از جمله این مناطق می‌توان به روستاهای چشمه‌منتش، قرخلر، شهرک سفلی، یونس‌آباد، شیرکش، محمدآباد، نیل، سراب شهرک، گاودانه‌زر، شیرکش، دره‌قا، خاندان‌قلی، قشلاق نوروز، زینل‌خان، حسین‌خان، خراسان، برگشاد، پشت‌تنگ، مبارک‌آباد، چشمه‌سفید، باشوکی، نجف‌آباد و حصارسفید اشاره داشت.^۵ در جوار این مناطق، روستای امروله قرار دارد که در ادامه به فعالیت‌های نقشبندیه در آن و نیز روستای حسین‌خان و قرخلر، خواهیم پرداخت (رک: تصویر - نقشه ۱).



تصویر ۱: موقعیت روستای امروله در جوار روستاهای سنی‌نشین نواحی شرقی گروس

۱. فریدی مجید، فاطمه، «برآمدن و برافتادن گروس در ساختار تقسیمات کشوری ایران»، ص ۱۳۰

۲. کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، ج ۲، صص ۴۴۰-۴۵۰

۳. محسنی، ناصر، جغرافیای طبیعی، اقتصادی، تاریخی و سیاسی کردستان، ج ۱، ص ۱۲۲

۴. هاشم‌نیا، سید محمود و ملک‌محمدی، ملوک، فرهنگ مردم گروس (بیجار و حومه)، ص ۳۸

۵. مطالعات میدانی پژوهشگر و پرس‌وجو از اهالی محل

۳. طریقت نقشبندیه: پیدایش و گسترش

طریقت نقشبندیه در حقیقت تداوم میراث خواجهگان^۱ و بن‌مایه‌های آن نیز بر پایه سنت ایشان است؛ با این حال، به دلیل جایگاه خواجه محمد بهاءالدین نقشبند (۷۱۸-۷۹۱ ه.ق) در اصلاح و بازترویج این میراث و توسعه آن، طریقت نونهاد را نقشبندیه نامیده‌اند.^۲ بسیاری درباره عنوان نقشبند در نام خواجه بهاءالدین گمانه‌زنی کرده‌اند. برخی آن را به شغل نیاکان یا خود او نسبت داده‌اند^۳ و دیگران نیز - به ویژه علاقه‌مندان نقشبندیه - مبتنی بر یکی از اصول طریقت، آن را از اثر یادکرد ذکر خدا و نقش بستن آن در قلب او می‌دانند.^۴ فارغ از دلیل این نام‌گذاری، او را می‌توان بنیان‌گذار یکی از مهم‌ترین طریقت‌های جهان اسلام دانست که از گذشته در پهنه وسیعی از غرب و شرق، گسترش یافته و پویایی‌اش را تاکنون حفظ کرده است.

این طریقت پس از ظهور در سده هشتم هجری، به سرعت در فرارودان گسترش یافت. نوآوری‌های خواجه بهاءالدین و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی دوره تیموری را از عوامل این مسأله برشمرده‌اند. در حقیقت، آنچه خواجه بهاءالدین ارایه داده بود، به نسبت سایر طریقت‌ها، تمایزاتی داشت. در طریقت او، نوع دیگری از شیوه یادکرد نام خدا جایگزین ذکر جهری و سماع شده بود. او عادت معمول برخی صوفیان را در خانقاه‌نشینی صرف برچید و پیروان خود را به زندگی فعالانه ترغیب کرد.^۵ به همین جهت است که غالب پیروان صوفی او از میان بازاریان و پیشه‌وران بوده‌اند.^۶ رویکرد صوفیانه خواجه بهاءالدین میانه‌روانه بود و پیروی از سنت و حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت، به عنوان پایه‌های اساسی طریقت‌ورزی در میان نقشبندیان، بارها در منابع و رساله‌های آنان تکرار شده است. اگر چه زندگی خواجه بهاءالدین ساده و به دور از سیاست بود و «در شهر، ایشان را خانه به ملک نبود»^۷، اما از دوره خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵ ه.ق)، شیوخ این طریقت در سیاست وارد شدند^۸ و زمینه‌های رشد طریقت را فراهم آوردند. از آنجا که شیوخ نقشبندی ارتباط با حاکمان را به مصلحت مریدان خود می‌دانستند،^۹ این رویه پس از مدتی به رویکرد غالب آنان تبدیل شد و به این ترتیب، نقشبندیه را به صورت طریقتی پویا در جامعه درآوردند و به تدریج در جوانب مختلف رویدادهای جامعه خود، اثرگذار شدند.

۱. طریقت منتسب به پیران خواجه؛ بنیان‌نهاد خواجه یوسف همدانی (۴۴۰-۵۳۵ ه.ق) و خواجه عبدالخاق غجدوانی (د. ۵۷۵ ه.ق).

۲. زرین کوب، عبدالحسین، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، صص ۲۰۶-۲۰۷.

۳. محمدباقر بن محمدعلی، *مقامات حضرت خواجه نقشبند*، ص ۱۲.

۴. کردی، محمدامین، *تنویر القلوب فی معامله علام الغیوب*، ص ۵۳۹.

۵. جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس*، ص ۳۸۶.

۶. کاشفی، فخرالدین علی بن حسین، *رشحات عین الحیات*، صص ۱۲۶ و ۲۴۱.

۷. بخاری، صلاح بن مبارک، *انیس الطالبین و عدة السالکین*، ص ۱۹۲.

۸. الگار، حامد، *نقشبندیه*، ص ۵۴.

۹. زرین کوب، عبدالحسین، *ارزش میراث صوفیه*، ص ۱۷۴.

۴. مولانا خالد شهرزوری: بنیان‌گذار شاخه خالديه در كردستان

با وجود گزارش منابع درباره گروش تنی چند از صوفیان کُرد به نقشبندیه قبل از سده سیزدهم هجری، ترویج‌دهنده اصلی این طریقت در كردستان را مولانا خالد شهرزوری دانسته‌اند. او زاده ۱۱۹۳ ه.ق در روستای قره‌داغ واقع در ناحیه شهرزور بود^۱ که تحصیلاتش را در نزد شیخ محمدقسیم مردوخ (د. ۱۲۳۶ ه.ق)^۲ در سنج به پایان رساند^۳ و در همان سال - ۱۲۱۳ ه.ق - بر جای یکی دیگر از استادانش در سلیمانیه نشست و فعالیت‌های علمی و آموزشی خود را آغاز کرد.^۴ زمانی که در سال ۱۲۲۰ ه.ق به حج رفت، در مکه با کسی آشنا شد که او را برای سفر به هند ترغیب کرد.^۵ چهار سال بعد با راهنمایی و همراهی فردی به نام میرزا رحیم عظیم‌آبادی هندی، به هند رفت^۶ و اصول طریقت را از شیخ عبدالله دهلوی (۱۱۵۸-۱۲۴۰ ه.ق) فراگرفت.^۷

مولانا خالد در راه بازگشت به كردستان، معرفی طریقت نقشبندیه را آغاز کرد؛ به گونه‌ای که در سنج استادش به او پیوست^۸ و وقتی در سال ۱۲۲۶ ه.ق به سلیمانیه رسید، با استقبال علاقه‌مندان مواجه شد.^۹ او در ابتدا و بنا به دستور مرشدش به بغداد رفت و پنج ماه در زاویه شیخ عبدالقادر گیلانی به ادامه ریاضات و سلوک پرداخت.^{۱۰} پس از این مدت و در بازگشت به سلیمانیه، به شکل جدی به تبلیغ و ترویج طریقت نقشبندیه و دعوت و ارشاد مردم مشغول شد که در نتیجه آن و به تدریج گروه زیادی از طبقات مختلف به او گرویدند. با این حال، گروهی از شیوخ و پیروان طریقت قادریه شدیداً به مخالفت با مولانا خالد پرداختند و در مدتی اندک زمینه‌های فشار عمیق بر او را فراهم آوردند.^{۱۱} ناگزیر در سال ۱۲۲۸ ه.ق برای بار نخست سلیمانیه را ترک گفته، به بغداد رفت. او این بار در مدرسه احسائیه - که بعدها به تکیه خالديه مشهور شد - منزل گزید و در آنجا هم‌زمان به تدریس و ارشاد پرداخت.^{۱۲}

مولانا خالد در سال ۱۲۳۰ ه.ق به دعوت محمود پاشای بابان به سلیمانیه بازگشت و به زودی صاحب

۱. ابن عابدین، محمدامین، سل الحسام الهندی لنصرة مولانا خالد النقشبندی، صص ۵۸-۵۹

۲. ابومنه، بطرس، دراسات حول مولانا خالد و الخالدية، ص ۴۰

۳. قزلیجی، محمد، التعریف بمساجد سلمیانیة و مدارسها الدینیة، ص ۴۸

۴. روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱، صص ۳۰۷-۳۰۸

۵. سنهوتی، یاسین بن ابراهیم، الانوار القدسیة، ص ۲۲۶؛ غزی عامری، اسماعیل، حصول الانس، ص ۱۱

۶. خانی، محمد بن عبدالله، البهجة السنية، ص ۴۵

۷. مدرس، عبدالکریم، یادى مهردان، ج ۱، صص ۲۷-۳۰؛ روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ص ۳۱۲

۸. حسن کریم، حسین، اجازات مولانا خالد النقشبندی، ص ۶۱

۹. مدرس، عبدالکریم، یادى مهردان، ج ۱، صص ۳۲-۳۴

۱۰. خانی، عبدالمجید، الحقائق الوردیة، صص ۲۳۰-۲۳۱

۱۱. ابومنه، بطرس، دراسات حول مولانا خالد و الخالدية، ص ۴۳

۱۲. روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱، ص ۳۱۳

خانقاهی با موقوفات فراوان از جانب او شد.^۱ با وجود حمایت بابانی‌ها از مولانا خالد و در عین حال، به دلیل تداوم فضای تقابل و دشمنی نخبگان قادریه با مولانا خالد، او مجدداً در سال ۱۲۳۶ ه.ق سلیمانیه را ترک کرده و شبانه به بغداد گریخت.^۲ مولانا خالد در این سفرش به بغداد، تلاش کرد طریقت نقشبندی را فراتر از کردستان، در سرزمین‌های عثمانی نیز منتشر کند. به همین دلیل جمعی از خلیفه‌های خود را به شهرهای اطراف فرستاد. از جمله شیخ احمد خطیب اربلی را - که دانشمندی ادیب و شاعر و عارفی وارسته بود - مأمور کرد به دمشق رفته و مردم آن دیار را با طریقت نقشبندی آشنا کند.^۳ مولانا خالد پس از آن، از آن‌جا که از یک طرف عرصه فعالیت را در کردستان بر اثر فشارها و تقابلات پیروان قادریه بر خود تنگ می‌دید و از طرف دیگر چون زمینه ترویج طریقت را در منطقه پراهمیت شام دریافته بود، در سال ۱۲۳۸ ه.ق با جمعی از عالمان و عارفان و کسانی دیگر، عازم شام شد.^۴ او تا زمان وفات در سال ۱۲۴۲ ه.ق در دمشق ماندگار شد و پس از آن، دیگر به کردستان بازنگشت.^۵ فعالیت‌های او چنان اثرگذار بودند که شاخه جدید به نام او، خالدیه نام گرفت و به یکی از جریان‌های اصلی صوفیانه در کردستان و عثمانی تبدیل شد.

۵. نقشبندیه پس از مولانا خالد: شکل‌گیری میراث خاندانی

رهبری طریقت نقشبندیه در کردستان پس از مولانا خالد، حالت متمرکز خود را از دست داد و به زودی خاندان‌های محلی شیوخ در نقاط مختلف سر برآوردند. مهم‌ترین این خاندان‌ها، شیوخ هورامان بودند. شیخ عثمان سراج‌الدین (۱۱۹۵-۱۲۸۳ ه.ق) و نوادگان او نقش قابل توجهی در تثبیت خالدیه در کردستان داشتند. او زاده روستای تویله و از خانواده‌ای متنفذ - با لقب آقا - بود. اگر چه ملا عبدالکریم مدرس در *یادی مه‌ردان*، عنوان آقا در نام آنان را به دلیل سیادت و احترامی که در نزد مردم محل داشتند، می‌داند،^۶ اما به نظر می‌رسد گزارش *ریاض المشتاقین* در این باره درست‌تر باشد که پدر او را حاکم محلی روستای تویله از طرف امیران بابانی دانسته است.^۷ با وجود این زمینه خانوادگی، شیخ عثمان تحصیلاتش را به پایان نرسانده و از روی علاقه‌مندی به تصوف، به مدرسه شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد رفته و در آن‌جا به نزد مولانا خالد شهرزوری شتافته است. نظر به تفاوت سنی اندک و شناخت پیشینی میان آن دو، شیخ عثمان به زودی به خلیفه برتر

۱. روحانی، بابا مردوخ، *تاریخ مشاهیر کرد*، ج ۱، ص ۳۱۴؛ خال، محمد، *زندگی‌نامه شیخ معروف نوده‌ی برزنجی*، ص ۵۹

۲. ریج، *سفرنامه کلودیوس جیمز ریج (بخش کردستان)*، ص ۲۵۴

۳. روحانی، بابا مردوخ، *تاریخ مشاهیر کرد*، ج ۱، ص ۳۱۴

۴. مدرس، عبدالکریم، *یادی مه‌ردان*، ج ۱، صص ۴۲-۴۳

۵. خانی، عبدالمجید، *الحلائق الوردیه*، صص ۲۴۵-۲۴۶

۶. مدرس، عبدالکریم، *یادی مه‌ردان*، ج ۲، ص ۷

۷. کاتب الاسرار، ملا حامد، *ریاض المشتاقین*، ص ۲۲۴

مولانا خالد و دوست نزدیک و مشاور او تبدیل شد.^۱ از آن به بعد است که نقش شیخ عثمان در میان نقشبندیّه کردستان، به تدریج برجسته و پس از آن، هورامان به یکی از مهم‌ترین مراکز خالديه در منطقه تبدیل می‌شود.^۲ با مهاجرت مولانا خالد، زمینه برای فعالیت گسترده‌تر شیخ عثمان در کردستان فراهم می‌شود. او بیشتر در زادگاهش و گاه در روستای بیاره مانده و به فعالیت پرداخته است. ابتدا در منزل خود اقامت داشت و در مسجد به ارشاد مشغول شد، ولی بعدها برای خود خانقاه ساخت. با وجود اقامت دایمی در هورامان و سفرهای معدودی که به برخی نقاط کردستان داشت،^۳ به دلیل جایگاهی که از دوره مولانا خالد یافته بود، پس از مدتی توانست طریقت نقشبندیّه را در کردستان تثبیت و شاخه خاندانی خود را در هورامان بنیان‌گذاری کند. یکی از اقدام‌های او برای پایه‌ریزی بنیان خاندانی سراج‌الدین و حفظ رهبری طریقت در میان نوادگانش، انتخاب دو تن از پسرانش - شیخ محمد بهاء‌الدین (۱۲۵۲-۱۲۹۸ ه.ق) و شیخ عبدالرحمن ابوالوفا (۱۲۵۳-۱۲۸۵ ه.ق) - به عنوان سرپرستان امور خانقاه و پیروان بوده است.^۴ فعالیت شیخ محمد بهاء‌الدین از دوره پدرش و به فرمان او آغاز شد. توسعه اولیه خانقاه، افزودن اقامت‌گاه‌ها و ساخت مزارگاه پدرش در سال ۱۲۸۴ ه.ق، از جمله اقدامات او برای سامان دادن به امور طریقت هستند که در نتیجه آن، فعالیت مرکز فرهنگی آنان رونق خاصی می‌گیرد.^۵

با روی کار آمدن شیخ عمر ضیاء‌الدین (۱۲۵۵-۱۳۱۸)، دوره دیگری از فعالیت‌های خاندان سراج‌الدین آغاز می‌شود که در آن، مراکز خانقاهی نقشبندیّه و مدارس آنان توسعه می‌یابد و به نوعی، اهتمام آنان به علوم دینی و ترویج اسلام سنتی در جامعه، به اوج می‌رسد. شیخ عمر در مرحله اول، تعدادی خانقاه در شهرهای خانقین، قزلباط، کفری، سردشت و روستاهای بیاره و بیایله می‌سازد و از میان آن‌ها، خانقاه بیاره را به مرکز اصلی اقامت و فعالیت خود تبدیل و پس از مدتی، مدرسه مشهور بیاره را در آن بنیان‌گذاری می‌کند. با استخدام یکی از برجسته‌ترین عالمان کردستان به عنوان مدرس، مرکز «خانقاه - مدرسه» بیاره بسیار رونق می‌گیرد؛ به گونه‌ای که در آن «غالباً صد نفر - و بعضی اوقات بیشتر - از طلبه علم ظاهر، حاضر بوده»^۶ است. این مدرسه، به نمودی از خدمات آنان به نهاد سنتی علم در کردستان تبدیل شد و با وجود آن، به تدریج اصطلاح «خادم العلماء» را در امضاهایشان گنجانده‌اند.^۷ از هر کردستان نیز عنوانی بود که به دلیل جایگاه این

۱. همان، صص ۲۲۸-۲۲۹

۲. اوزدالگا، البزابت، نقشبندیّه در آسیای غربی و مرکزی، ص ۱۶۰

۳. برای فهرست سفرهای او، رک: مدرس، عبدالکریم، یادی مه‌ردان، ج ۲، صص ۳-۳۱

۴. حسینی، سید سعید، «وصایای شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی»، ص ۲۱۱

۵. مدرس، عبدالکریم، یادی مه‌ردان، ج ۲، صص ۷۶-۷۸

۶. همان، صص ۱۵۷-۱۵۸

۷. باکی، ملا محمود، نور الناظرین، ۲۹

۸. رک: اسناد گوناگونی که از ایشان بر جای مانده است.

مدرسه در میان عالمان و پیروان، از آن نام برده می‌شد.^۱ با اثرگذاری مدرسه بیاره بر جامعه کردی، در عمل مدرسه‌داری به یکی از ارکان فعالیت شیوخ این خاندان و وابستگان آنان - مانند سادات نقشبندی امروله - افزوده شد.

۶. سادات امروله: پیوند گروس و نقشبندیه

یکی از خاندان‌های نزدیک به شیوخ هورامان و در پیوند نسبی با آنان، سادات نقشبندی امروله است. اعضای این خاندان، نوادگان سید عبدالحکیم مهجوری (۱۲۱۰-۱۲۷۸ ه.ق)، از شاعران برجسته کردستان هستند و نسب آنان، مانند بسیاری از سادات اطراف سنندج، به سید احمد باینچوب (زنده در ۹۰۹ ه.ق)، از عالمان اثرگذار کردستان اردلان در سده دهم هجری،^۲ می‌رسد. سید عبدالحکیم از شاگردان مولانا خالد شهرزوری بود و به توصیه او، مدارج علمی‌اش را در نزد مولانا احمد کمانگر (۱۲۰۰-۱۲۷۸ ه.ق) - سرسلسله خاندان نقشبندی کمانگر؛ از دیگر خاندان‌های نقشبندی کردستان - به پایان رساند.^۳ مهجوری از دوره تحصیل در نزد مولانا خالد، با شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی آشنا شده و پس از آن، دوستی‌اشان ادامه یافته و این مسأله، پیوند نسبی اعضای خاندان‌هایشان را به همراه داشته است؛ به گونه‌ای که فرزند او، سید نجم‌الدین (۱۲۶۴-۱۳۴۰ ه.ق)، با یکی از دختران شیخ عثمان سراج‌الدین به نام شیخ‌زاده عذرا وصلت می‌کند^۴ و به این ترتیب، شبکه ارتباطی نقشبندیه در جغرافیای اردلانی کردستان، به صورت پیوند خاندانی گسترده می‌شود.

سید نجم‌الدین پس از آباد کردن روستای امروله - که در مجاورت ناحیه گروس قرار داشت - به تدریج آن را به یکی از مراکز نقشبندیه خالديه در مناطق لیلخ،^۵ سارال،^۶ گروس و سنندج تبدیل کرد. او در ابتدا اقدام به ساخت مسجد و خانقاه در جنب یکدیگر با امکاناتی چون صحن، حوض، غسالخانه، حجره طلاب و منازلی برای امام و خدمت‌کاران نمود و با این کار، در عمل برای مردم آن ناحیه، مرکزی برای حل انواع مشکلات و برقراری صلح به وجود آورد.^۷ آن‌ها در ادامه نیز، خانقاه‌هایی در نقاط دیگر - مانند شاهیندر و تکاب در نزدیکی ترک‌ها و شیعیان^۸ - بنا کردند و حوزه جغرافیایی فعالیت خود را گسترش دادند. پس از

۱. این عبارت در عنوان کتاب قه‌سری عاریقان (بیاره) و ناو‌ندی عیرقان و نه‌زه‌ری کوردستان (مفتی، شیخ محسن، اربیل، ۲۰۱۷) آمده است.

۲. باینچوب، سید بابا شیخ احمد، مختصر باوه شیخ احمد در عقاید (مقدمه)، صص ۱۱-۲۱

۳. مهجوری، سید عبدالحکیم، دیوانی مه‌هجوری کوردستانی، ص ۸

۴. نقشبندی، محمدهادی، سلاله پاکان؛ زندگی‌نامه سادات نقشبندی امروله، ص ۲۷

۵. دشتی مرتفع و پهناور در شرق سنندج که می‌توان آن را سرآغاز فلات ایران از غرب دانست.

۶. ناحیه‌ای کوهستانی با طبیعتی غنی در میانه شهرستان‌های دیواندره، سقر و مریوان

۷. نقشبندی، محمدهادی، سلاله پاکان؛ زندگی‌نامه سادات نقشبندی امروله، صص ۳۷-۳۸

۸. همان، ص ۷۴

مدتی و با وجود مدرسه علوم دینی در کنار خانقاه امروله، اهتمام سید نجم‌الدین و فرزندان ایشان، بیشتر متوجه خدمات عمومی و درمان بیماری‌هایی چون جذام^۱ و سرپرستی نیازمندان می‌شود. پس از سید نجم‌الدین و به توصیه او، فرزندان سید شهاب‌الدین (۱۲۹۶-۱۳۹۹ ه.ق) و سید جلال‌الدین (۱۲۹۴-۱۳۸۸ ه.ق)، به ترتیب سرپرستی امور معنوی و تربیت مریدان، و مدیریت خانقاه و مسایل دنیوی را عهده‌دار می‌شوند.^۲ آنان همواره با خاندان سراج‌الدین در پیوند بودند؛ به گونه‌ای که برای فراگیری آموزش‌های علمی به مراکز و مدارس آنان - به ویژه بیاره - می‌رفتند و به علاوه، نسبت خانوادگی را از طریق ازدواج‌های جدید، حفظ می‌کردند. به این ترتیب، زمینه‌ای فراهم می‌شد تا در ضمن یک شبکه ارتباطی خاندانی - طریقتی و با تعاملات و مناسبات علمی - فرهنگی، رهبری نقشبندی خالديه در میان آنان و در گستره‌ای از جغرافیای اردلانی کردستان باقی بماند. در ادامه، ابعادی از این فعالیت‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۶-۱. «خانقاه - مدرسه» امروله

مهم‌ترین اقدام سادات نقشبندی امروله، بنیان‌گذاری «خانقاه - مدرسه» برای ترویج علوم دینی بر پایه باورهای اهل سنت در مجاورت ناحیه گروس بود. ساخت این نهاد به پس از سال ۱۲۹۲ ه.ق - که فخر الایاله یک و نیم دانگ از زمین‌های روستا را به سید نجم‌الدین نقشبندی هدید داد - بازمی‌گردد.^۳ استاد این «خانقاه و مدرسه علوم دینی»،^۴ معمولاً امام و خطیب آبادی نیز بوده است. پس از ملا محمد مندومی به عنوان نخستین استاد، ملا سید احمد شیخ‌احمدی (۱۲۷۹-۱۳۶۵ ه.ق) در آن به تدریس پرداخته است. او دانش‌آموخته مدرسه بیاره، شاگرد ملا عبدالقادر کانی‌کبودی - استاد علوم اسلامی و عالم برجسته نقشبندی - و از پیروان شیخ عمر ضیاء‌الدین بود که پس از اتمام تحصیلات در روستای کوچک چرمگ تدریس می‌کرد. بعدها به توصیه شیخ عمر، به روستای امروله رفت و تا زمان وفات سید نجم‌الدین در آنجا باقی ماند و شاگردانی چند تربیت کرد.^۵ آثاری از این دانشمند وارسته بر جای مانده است که از جمله آن‌ها می‌توان ترجمه‌های *احیاء علوم الدین* (تا ربع عبادات)، *عین الفرائض* و برخی از فتاوی ابن حجر و حاشیه‌هایی بر *اعانة الطالبین* در فقه و عقیده *المرضیه* مولوی کُرد را نام برد.^۶ شیخ میکائیل و فرزندش، شیخ عبدالله حسنی، همراه با شیخ حبیب‌الله حسنی،

۱. همان، صص ۶۲-۶۴

۲. همان، صص ۱۰۶-۱۰۷

۳. نقشبندی، سید محمدی، *سلالة پاکان*، ص ۳۷

۴. عنوان این مرکز خانقاهی بر سردر آن پس از بازسازی

۵. همان، ص ۵۶

۶. روحانی، بابا مردوخ، *تاریخ مشاهیر کرد*، ج ۲، ص ۳۰۷

ملا حسن لیمویی و ملا عبدالوهاب رنجبری از دیگر استادان خانقاه - مدرسه امروله بوده‌اند.^۱

سادات نقشبندی امروله با بنیان‌گذاری این خانقاه - مدرسه در نزدیکی آخرین روستاهای سنی‌نشین منطقه، در تلاش بودند با جذب طلاب و آموزش آنان، به پاسداشت اعتقادات اهل سنت و جماعت بپردازند. با این حال، بعدها که راه‌های مواصلاتی تغییر کرد و انقلاب اسلامی روی داد، این نهاد به زودی رونق پیشین خود را از دست داد و فعالیت‌های آن با افول مواجه شد. ساختمان این مرکز، مطابق اطلاعات مندرج بر روی کتیبه سردر آن (رک: تصویر ۲)، در سال ۱۴۱۰ ه.ق بازسازی شده است.



تصویر ۲: سردر خانقاه - مدرسه سادات نقشبندی امروله

۲-۶. جایگاه اجتماعی سادات نقشبندی

بر پایه گزارش کتاب *سلالة پاکان*^۲ به عنوان منبع اصلی پژوهش درباره خاندان سادات نقشبندی امروله، این روستا را سید نجم‌الدین نقشبندی بنیان‌گذاری کرده است.^۳ نظر به دامنه فعالیت‌های سید نجم‌الدین و نوادگان او، امروله به زودی گسترده و به یکی از بزرگ‌ترین نواحی سکونت‌گاهی منطقه تبدیل شده؛ تا جایی که جمعیت آن در دوره اوج نفوذ و اعتبار سادات، به ۳۰۰ خانوار هم رسیده است.^۴ تبدیل دره‌واره‌ای در میان زمین‌های فراوان کشاورزی به روستایی با نقش‌آفرینی‌های علمی و فرهنگی، یکی از نمودهای جایگاه اجتماعی این سادات در منطقه است.

۱. نقشبندی، سید محمدهادی، *سلالة پاکان*، صص ۵۶-۵۷.

۲. نگارنده کتاب، فرزند سید شهاب‌الدین فرزند سید نجم‌الدین نقشبندی است.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۳۳.

سید نجم‌الدین نقشبندی به عنوان نیای این خاندان، نفوذ گسترده‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که گفته می‌شود نام، شهرت و اعتبار او «از طرف لیلخ تا اسپندآباد و صالح‌آباد در مرز همدان، و از طرف گروس تا حدود زنجان، و از طرف دیواندره و اوباتو تا تکاب و شاهیندر و منطقه افشار در آذربایجان غربی» گسترده شده بود و علاقه‌مندان از این مناطق، به نزد او می‌شتافتند.^۱ بخشی از این نواحی، شیعه‌نشین بودند و به همین دلیل، به زودی پاره‌ای تعاملات شیعی - سنی با محوریت او شکل گرفت. علاوه بر علاقه‌مند شدن افراد بسیاری به او تحت عنوان مرید یا منسوب در نواحی گروس،^۲ باید از مشارکت امیرنظام گروسی (۱۲۳۷-۱۳۱۷ ه.ق) در ساخت‌وساز خانقاه امروله با ارسال چوب یاد کرد.^۳ به گزارش سید محمدهادی نقشبندی، او که از ارادت‌ورزان به سید عبدالحکیم مهجوری (پدر سید نجم‌الدین) بوده، در سال ۱۳۰۹ ه.ق به منظور تأمین هزینه‌های مهمانداری و مدیریت خانقاه امروله، برای سید نجم‌الدین نقشبندی مستمری تعیین کرده است.^۴ در سال ۱۳۱۳ ه.ق نیز، ناصرالدین شاه قاجار - احتمالاً متأثر از دیدگاه‌های امیرنظام گروسی - روستای گونتو را به صورت مالکیت بلاعوض به سید نجم‌الدین واگذار کرده است.^۵

زمانی که به دلیل جنگ جهانی اول، کردستان با چپاول نیروهای روسی مواجه بود، قحطی در سراسر این منطقه شیوع یافت. با وجود آن‌که ناحیه گروس به دلیل حجم تولید گندم به عنوان انبار غله ایران شهرت داشت،^۶ قحطی به زودی به آن‌جا نیز رسید و بحران در منطقه گسترش یافت.^۷ در این شرایط، سید نجم‌الدین نقشبندی با رایۀ فراخوان عمومی در امروله و روستاهای اطراف، غله مردم را در انبارهای تحت نظارت خود انبار کرده و پس از آن، با مدیریت و نظارت شخصی نسبت به توزیع آن در میان نیازمندان اقدام نموده است. او «به روستاهای اطراف می‌فرستد تا مردم گرسنه را جمع‌آوری کنند، آنان را در زاغه‌های خود نگاه‌داری می‌کند و دستور می‌دهد تا در نانوایی‌های خودشان، نان‌های مایه‌دار و درشت (خپله) پخت کنند».^۸ گفته می‌شود این اقدام او، از جمله عوامل اثربخش در مدیریت انسانی قحطی بوده است.

نظر به اعتبار قابل توجه سادات نقشبندی امروله، خانقاه آنان از جانب حکومت به عنوان بست به رسمیت شناخته شده بود. گفته شده است که سربازان فراری به آن‌جا پناه می‌بردند و گاه پیش می‌آمد که بعضی از آنان در امروله ماندگار شده و به تشکیل خانواده می‌پرداختند.^۹ کارکرد بست‌نشینی خانقاه، در موارد دیگر نیز

۱. همان، ص ۳۸

۲. همان، ص ۵۳

۳. همان، ص ۳۸

۴. همان، ص ۴۳

۵. همان، ص ۴۶

۶. مریوانی، محمد، بیجار گروس در گذرگاه تاریخ، ص ۲۴۱

۷. همو، نگاهی به تحولات گروس در جریان جنگ جهانی اول، صص ۱۸۳-۱۸۷

۸. نقشبندی، سید محمدهادی، سلاله پاکان، ص ۴۹

۹. همان، صص ۱۱۳-۱۱۴

مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت؛ از آن جمله می‌توان به شکست نیروهای حکومتی در مبارزه با طوایف محلی اطراف امروله در سال ۱۳۳۷ ه.ق اشاره داشت که در پی آن، عشایر با کسب حمایت سید شهاب‌الدین نقشبندی و حضور در خانقاه امروله، به مقاومت پرداختند.^۱ این مسأله، به علاوه، نشان از جایگاه اجتماعی والای سید شهاب‌الدین است. او علاوه بر رهبری سادات آن نواحی، برای حل و فصل مشکلات منطقه نیز اقدام می‌کرد و نظر به پایگاه و محبوبیت مردمی، در تعامل با حاکمیت به صورت مستقل عمل می‌کرد. نفوذ او تا جایی بود که برای حل اختلاف طایفه‌ای پیش آمده در منطقه گروس و سارال، پس از ناامید شدن از ورود حکومت به آن، دست به شکل‌دهی نیروی نظامی زد و پس از ارایه فراخوان عمومی، موفق به جمع‌آوری یک هزار و پانصد نفر فرد مسلح شد.^۲ این امر بعدها به صورت شکل‌دهی به سوارکاران سادات نقشبندی در دوره پهلوی از جانب او، نمود یافت.^۳

۳-۶. پزشکی و درمان‌گری: فعالیت‌ها و تعاملات

سادات نقشبندی امروله به دلیل جایگاه اجتماعی قابل توجهی که داشتند، معمولاً با طیف‌های گوناگون جامعه در پیوند بودند و از آن‌جا که مردمان بسیاری برای حل مشکلات خود و تداوی بیماری‌هایشان به آنان مراجعه می‌کردند، برخی پزشکان دور و نزدیک را هم می‌شناختند. این دایره ارتباطی، گاه زمینه تحصیل آنان را در زمینه پزشکی هم فراهم می‌کرد؛ چنان‌که سید جلال‌الدین نقشبندی به هنگام گذراندن دوره طلبگی در خانقاه بیاره، از طریق پزشک آشنای شیخ محمد علاء‌الدین (۱۲۸۰-۱۳۷۳ ه.ق) - از رهبران نقشبندی خاندان سراج‌الدین در هورامان - به لبنان سفر می‌کند و ضمن بازدید از مراکز درمانی و فراگیری پاره‌ای معلومات درباره بیماری‌های آبله، جذام و تراخم، منابع پزشکی را تهیه کرده و به امروله بازمی‌گردد.^۴ این مسأله زمینه‌ای شد تا بعدها بتواند در خانقاه پدری‌اش از بیماران جذامی مراقبت کرده و نسبت به درمان آنان اقدام کند.^۵ سید جلال‌الدین هم‌چنین با دکتر سعید خان کردستانی (۱۲۸۰-۱۳۶۱ ه.ق)، در مراوده بود. سعید خان، ملازاده‌ای سندجی بود که پس از دستیاری فردی به نام دکتر الکساندر در همدان، به مسیحیت گروید^۶ و با حمایت‌های او به فراگیری پزشکی مدرن و به ویژه چشم‌پزشکی در اروپا پرداخت و بعدها به ایران بازگشت. او به دلیل وضعیت دین‌باوری‌اش، از سفر به کردستان خودداری می‌کرد. با این حال، سادات نقشبندی امروله از او

۱. مردوخ، شیخ محمد، تاریخ مردوخ، ص ۳۵۷

۲. نقشبندی، سید محمدهادی، سلاله پاکان، ص ۱۱۵

۳. همان‌جا

۴. نقشبندی، سید محمدهادی، سلاله پاکان، ص ۶۱

۵. همان، ص ۶۲

۶. مردوخ، شیخ محمد، تاریخ مردوخ، ص ۲۳۲

خواستند تا برای مداوای یکی از بیگزادگان هورامان به نزد آنان برود. سید جلال‌الدین به همراه تنی چند از تفنگ‌دارانش، شخصاً عهده‌دار محافظت از او در این سفر شد.^۱ سعید خان در ادامه به هورامان رفت و با استقبال شیخ محمد علاءالدین نقشبندی مواجه شد. شیخ تا جایی به او اطمینان داشت که قدیمی‌ترین اسناد تاریخی یافته‌شده از این منطقه را به نام قباله‌های هورامان - که قدمت آن‌ها را به دوره اشکانیان بازمی‌گرداند^۲ - برای مطالعات متخصصان بر روی آن‌ها در اروپا، به وی داد.^۳

جز فعالیت‌های سید جلال‌الدین در پزشکی، آنان در چهارچوب پیوندهای خانوادگی با پزشکان دیگر هم تعامل داشتند. به عنوان مثال، پسر شیخ عبدالله هزارکانیانی (د. ۱۳۵۱ ه.ق)، داماد سید شهاب‌الدین بود.^۴ شیخ عبدالله نیز به عنوان یکی از پزشکان مشهور خاندان مردوخی، از شاگردان دکتر سعید خان کردستانی بود که بیشتر معالجاتش را با استفاده از گیاهان دارویی انجام می‌داد و تجربیات خود را در این زمینه، به صورت یک کتاب درآورده بود.^۵ شیخ عبدالله به دلیل شهرت و مهارت در طبابت، هر سال دو بار به سنج می‌رفت و به مداوای بیماران می‌پرداخت.^۶ سید شهاب‌الدین نقشبندی هم‌چنین با دختر اشرف الحکمای سنجی ازدواج کرده بود که در ادامه، به فعالیت‌های او نیز می‌پردازیم.

۷. اشرف الحکمای سنجی: فعالیت‌های پزشکی در ناحیه گروس

مشهورترین پزشک نقشبندی کردستان در دوره قاجاری، سید محمد الیاسی (۱۲۸۹-۱۳۵۴ ه.ق)، مشهور به حکیم و اشرف الحکمای سنجی است.^۷ او که اهل روستای صادق‌آباد در نواحی مرزی گروس بود، در خانقاه - مدرسه نقشبندی هورامان در بیاره تحصیل کرد و به زودی به سلک پیروان شیخ عمر ضیاءالدین نقشبندی درآمد.^۸ پس از دانش‌آموختگی، ابتدا در روستایی نزدیک امروزه به نام شیخ‌وجیم به عنوان عالم آبادی به خدمت مشغول شد، اما به دلیل اشتغالات پزشکی و مراجعه بیماران، به زودی از این کار دست کشید و در روستاهای سیاسیران، صادق‌آباد و جز آن، به امور دیگری چون کشاورزی و ادامه معالجات پزشکی پرداخت.^۹ حکیم الیاسی به شناخت و جمع‌آوری گیاهان دارویی بسیار علاقه‌مند بود. گفته می‌شود «از آن‌جا

۱. رسولی، جی و آلن، کیدی، طبیب محبوب؛ شرح زندگی دکتر سعید خان کردستانی، صص ۷۴-۸۸

۲. پیرنیا، حسن، ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۹۶

۳. بهمن سلطانی، مظفر، تاریخ هورامان، تعلیقات مصحح، ص ۱۰۹۲

۴. تحقیقات میدانی پژوهشگر

۵. روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۲، ص ۲۰۲

۶. حیرت‌سجادی، سید عبدالحمید، نامداران علم، فرهنگ و هنر کردستان در دو سده اخیر، ص ۳۲۹

۷. بعدها از او با عنوان ابن سینای کردستان نیز یاد کرده‌اند؛ رک: هادی، صداقت، «ابوعلی سینای کردستان»، روزنامه همشهری (ویژه استان‌ها)، ۱۳۹۵.۰۷.۰۵

۸. روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۲، ص ۱۹۸

۹. مواردی، ثیرج، گنجینه‌ی پزشکی حه‌کیمانی کورده‌واری، صص ۶۲۹-۶۳۱

که مراتع صادق آباد، سیاسران، شیخ وجیم و روستاهای مجاور سرشار از گیاهان دارویی بوده، در فصل‌های بهار و تابستان قبل از طلوع خورشید راهی کوهستان شده و گیاهان دارویی را جمع‌آوری می‌کرد. نقل است که همواره خورجین مرکبش از داروهای دست‌ساز او پر بوده است و در مسیری که عبور می‌کرد، بیماران به ایشان مراجعه کرده و تقاضای مداوا می‌نمودند.^۱

نظر به این علاقه‌مندی‌ها، او به زودی بخش قابل توجهی از اراضی و مراتع روستای حسین‌خان را در ناحیه گروس - که دارای اقلیم گیاهی بسیار غنی و متنوعی است - خریداری کرد و تابستان‌ها در آن‌جا مستقر شد.^۲ با اقامت حکیم الیاسی، حسین‌خان به تدریج به یکی از مراکز درمان‌گری محلی در ناحیه گروس تبدیل شد؛ به گونه‌ای که همواره بیماران و نیازمندیانی از مناطق همجوار، به آن‌جا مراجعه می‌کردند. او به دلیل مهارت فراوان در امور پزشکی و به ویژه جراحی و شکسته‌بندی، به سنج دعوت و به اشرف الحکمای شهر ملقب شد.^۳ علاوه بر دست‌نویس‌های پراکنده در موضوع‌های مختلف پزشکی و نسخه‌های درمانی، کتابی به نام *تحفه طبابت* درباره خواص گیاهان دارویی و کاربرد آن‌ها، از او به جا مانده است.^۴

نظر به گرایش نقشبندی اشرف الحکمای سنجی و نزدیکی حسین‌خان در گروس به امروله، دایره ارتباطات سادات نقشبندی با او فراوان بوده و این مسأله، به پیوند سببی هم منجر شده است؛ به گونه‌ای که سید شهاب‌الدین نقشبندی با یکی از دختران حکیم به نام خاتون حمیرا الیاسی ازدواج نموده است.^۵ از این رو دو روستای امروله و حسین‌خان، به‌سان مراکزی از حضور بزرگان نقشبندی، در مراوداتی گسترده با یکدیگر قرار داشته‌اند. بعدها فرزند آخر حکیم به نام سید جعفر الیاسی (۱۳۵۴-۱۴۳۵ ه.ق) - که سه ماه پس از وفات او متولد شده است - تحصیلات ابتدایی خود را در خانقاه امروله و در نزد سید شهاب‌الدین گذرانده و پس از پایان تحصیلات، در سال ۱۳۹۵ ه.ق به عنوان امام آبادی حسین‌خان و استاد مدرسه آن، و سپس دفتردار طلاق و ازدواج برخی از روستاهای گروس، به فعالیت مشغول شده و اثرگذاری خاندانی‌اشان را در ناحیه گروس، این بار در چهارچوب فرهنگی و دینی ادامه داده است.^۶ او هم‌چنین دبستان روستای حسین‌خان را بنیان نهاده و برای تشویق مردم به تحصیل فرزندانشان، به عنوان اولین نفر در آن منطقه، دختر خود را به مدرسه فرستاده است.

۱. همان، ص ۶۳۱

۲. حیرت‌سجادی، سید عبدالحمید، *نامداران علم، فرهنگ و هنر کردستان در دو سده اخیر*، ص ۳۳۲

۳. الیاسی، محمدرشد، «سید محمد الیاسی، ابن سینای کردستان»، ص ۸

۴. مواردی، ئیره‌ج، *گه‌نجینه‌ی پزشکی حه‌کیمانی کورده‌واری*، صص ۳۸۸ و ۶۴۶

۵. نقشبندی، سید محمدهادی، *سلالة پاکان*، ص ۸۳

۶. او بعدها به سنج مهاجرت کرده و مدتی نیز، به عنوان روحانی کاروان‌های حج اهل سنت، فعالیت کرده است؛ رک: مواردی، ئیره‌ج، *گه‌نجینه‌ی پزشکی حه‌کیمانی*

کورده‌واری، ص ۶۳۹

۸. خلیفه عباس رضایی: مروج معاصر نقشبندیه در نواحی غربی گروس

قرخلر نام روستایی سنی‌نشین در نواحی مرزی گروس است که پس از آن - به سمت شرق و نواحی داخلی‌تر گروس - تنها یک روستای سنی‌نشین دیگر به نام چشمه‌متش وجود دارد.^۱ در گذشته اهالی این دو روستا، از وابستگان نقشبندیه امروله بوده‌اند. در دوره معاصر، فردی از ایشان به نام خلیفه عباس رضایی (د. ۱۴۰۳ ه.ش)، در ترویج و پاسداشت تفکر صوفیانه نقشبندی، فعالیت‌هایی چند انجام داده است. او که شغلی نظامی داشت، در شهرهای محل خدمت خود نیز، فعالیت نموده و به همین دلیل، هم‌اکنون در آبادان، تایباد، سنگان و بانه، مریدان و منسوبانی چند دارد.^۲ در برخی از این شهرها نیز خانقاه‌هایی ساخته است.^۳



تصویر ۳: نمایی از روستای قرخلر در ناحیه گروس (مطالعات میدانی پژوهشگر) - تابستان ۱۴۰۴

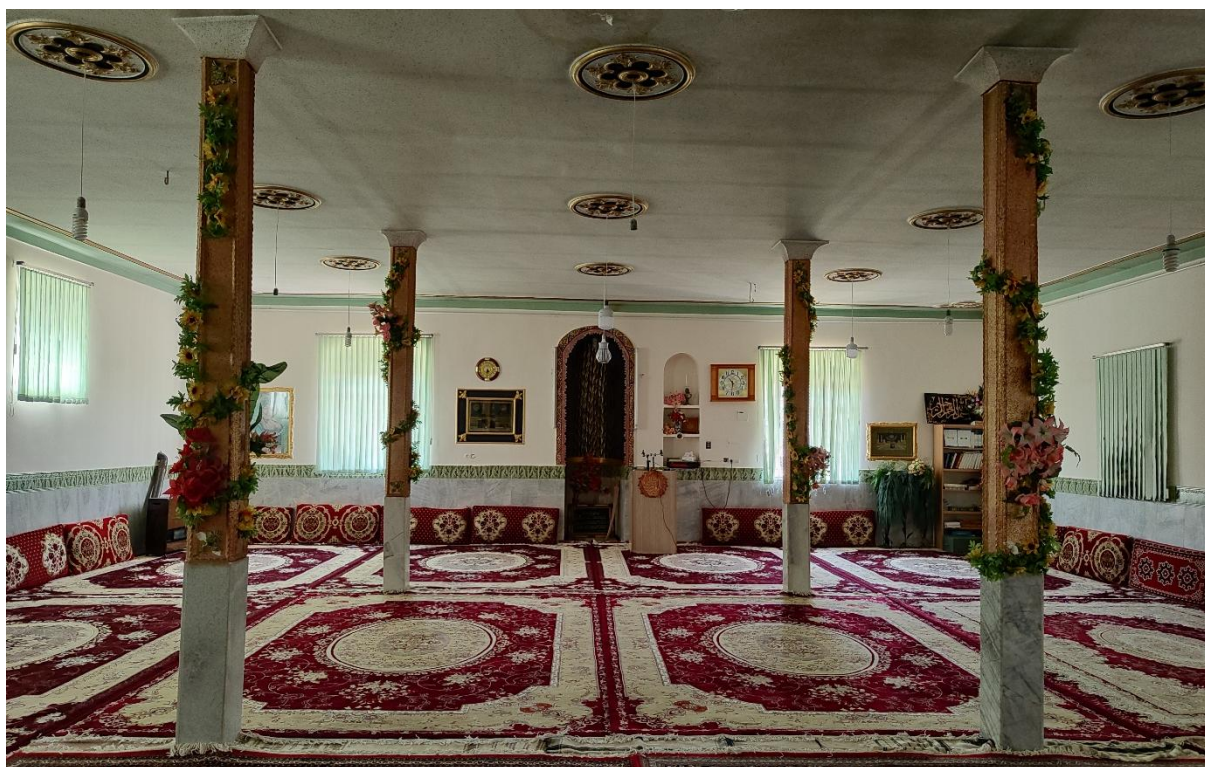
خلیفه عباس رضایی از وابستگان شاخه حسامی خاندان سراج‌الدین هورامان بود و به همین دلیل، برخی از پیروان او گرایش قادری هم داشتند و در مجالس خانقاهی، به ذکر سماع نیز می‌پرداختند.^۴ با آن‌که او در دوره‌های اخیر به شهر بانه مهاجرت کرده و در خانقاهی از آن خود به فعالیت می‌پرداخت، اما همواره به زادگاه خود در گروس نیز مراجعه و در چهارچوب سفرهای ارشادی، طریقت نقشبندیه را تبلیغ می‌کرد. او در ادامه فعالیت‌های دینی خود در ناحیه گروس، مسجد آبادی قرخلر را بازسازی نمود که از آن با عنوان خانقاه هم نام می‌برند (تصویر ۴). به علاوه، نسبت به زیارت‌گاه بابا سید هدایت - یا به قول اهالی روستای قرخلر، باوه سی هدایت - اهتمام داشت و نسبت به ساخت یک بارگاه بر روی آن، اقدام کرد (تصویر ۵).

۱. مطالعات میدانی پژوهشگر.

۲. قربانی، نقشین، *زندگی‌نامه عارف مشهور (خلیفه رضا)*، بانه: ناجی، ۱۳۹۰، ص ۱۴.

۳. مانند خانقاه شیخ محمدعلی حسام‌الدین نقشبندی در بانه و دو خانقاه به نام او در شهرهای تایباد و سنگان خراسان.

۴. ویدیوهایی چند از محافل آنان، در بستر اینترنت قابل جست‌وجو است.



تصویر ۴: نمای داخلی مسجد محمد رسول الله در روستای قرخلر، که به وسیله خلیفه عباس رضایی بازسازی شده است و به آن خانقاه هم می گویند.



تصویر ۵: موقعیت زیارتگاه بابا سید هدایت در بالای تپه مشرف بر روستا (در جوار دکل مخابراتی قرخلر)

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله بررسی کردیم، متوجه شدیم که طریقت نقشبندیّه خالديه از دوره سید نجم الدین نقشبندی (۱۲۶۴-۱۳۴۰ ه.ق) به عنوان نیای سادات روستای امروله، در نواحی غربی ناحیه گروس - که روستاهایی سنی‌نشین و در مجاورت جامعه شیعی هستند - حضور و اثرگذاری داشته است. این سادات موفق شدند به عنوان برجسته‌ترین خاندان نقشبندی در آن منطقه، نسبت به بنیان‌گذاری خانقاه - مدرسه و جذب طلاب برای توسعه علوم دینی در ناحیه گروس اقدام کنند. جایگاه اجتماعی این سادات به گونه‌ای بود که در میان عموم مردم ناحیه گروس، محترم بودند و این مسأله، از جمله به شکل‌گیری پاره‌ای مناسبات شیعی - سنی در چهارچوب تعاملات دینی و با محوریت خانقاه آنان انجامید.

استقرار اشرف الحکمای سنندجی (۱۳۵۴-۱۲۹۵ ه.ق) در روستای حسین‌خان به عنوان یکی از نخبگان پزشکی کردستان در دوره قاجاری، زمینه‌های تبدیل این روستا را به یکی از مراکز اثرگذار در ناحیه گروس فراهم آورد. پیوند نسبی او با سادات نقشبندی، عامل دیگر ایجاد شبکه ارتباطی در میان دو روستای امروله و حسین‌خان برای ترویج تفکر صوفیانه بود. اقدام‌های دینی و فرهنگی ایشان در کنار فعالیت‌های خلیفه عباس رضایی در روستای قرخلر برای بازسازی مسجد آبادی و ساخت مزارگاه بابا سید هدایت، کارکرد مذهبی طریقت نقشبندیّه در آن سامان را پررنگ و پراهمیت نشان می‌دهد. از این جهت، به نظر می‌رسد که نمود کارکرد مذهبی نقشبندیّه خالديه در ناحیه گروس، به دلیل موقعیت جغرافیای انسانی آن، بیشتر از نواحی دیگر کردستان - به عنوان مثال در قیاس با هورامان و خاندان سراج‌الدین - است. کم‌رنگ شدن وجوه دین‌داری مردم این ناحیه (منبع: مشاهده‌های میدانی اخیر پژوهشگر) پس از افول خانقاه سادات امروله و مهاجرت نخبگان آنان، شاهد دیگری از اثرگذاری مذهبی نقشبندیّه در این نواحی است.

منابع

- ابن عابدین، محمد امین، *سل الحسام الهندی لنصرة مولانا خالد النقشبندی*، اربیل: [بی‌نا]، ۲۰۰۹
 - ابومنه، بطرس، *دراسات حول مولانا خالد و الخالدية*، اربیل: [بی‌نا]، ۲۰۰۹
 - اعتماد السلطانه، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳
- ج ۲
- اوزدالگا، الیزابت، *نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی*، ترجمه فهیمه ابراهیمی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹
 - باکی، ملا محمود، *نور الناظرین*، به کوشش امجد امام، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۹۶
 - باینچوب، سید بابا شیخ احمد، *مختصر باوه شیخ احمد در عقاید*، سندج: کانی، ۱۳۹۲
 - بخاری، صلاح بن مبارک، *انیس الطالبین و عدة السالکین*، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۸۳
 - بهمن سلطانی، مظفر، *تاریخ هورامان*، به کوشش نادر کریمیان سردشتی، تهران: احسان، ۱۳۸۶
 - پرنیا، حسن، *ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب، چ ۴، ۱۳۶۹
 - جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس*، تهران: اطلاعات، چ ۳، ۱۳۷۵
 - حسن کریم، حسین، *اجازات مولانا خالد النقشبندی*، اربیل: [بی‌نا]، ۲۰۰۹
 - حسینی، سید سعید، «وصایای شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی»، فصل در کتاب رسایل عرفانی نقشبندیان، به کوشش محمد عبدلی، مهاباد: میراث مانا، ۱۳۹۸
 - حیرت سجادی، سید عبدالحمید، *نامداران علم، فرهنگ و هنر کردستان در دو سده اخیر*، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۲
 - خال، محمد، *زندگی‌نامه شیخ معروف نودهی برزنجی*، ترجمه احمد حواری‌نسب، تهران: احسان، ۱۳۷۸
 - خانی، عبدالمجید، *الحدائق الوردیة*، دمشق: [بی‌نا]، ۱۳۰۸ ه.ق
 - رسولی، جی و آلن، کیدی، *طیب محبوب؛ شرح زندگی دکتر سعید خان کردستانی*، [بی‌جا]: انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی، ۱۹۸۲
 - روحانی، بابا مردوخ، *تاریخ مشاهیر کرد*، تهران: سروش، ج ۱، ۱۳۸۲
 - همو، *تاریخ مشاهیر کرد*، تهران: سروش، ج ۲، ۱۳۸۲
 - ریچ، *سفرنامه کلودیوس جیمز ریچ (بخش کردستان)*، ترجمه حسن جاف، تهران: ایران‌شناسی، ۱۳۸۹
 - زرین کوب، عبدالحسین، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰، چ ۱۰
 - همو، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰
 - سنهوتی، یاسین بن ابراهیم، *الانوار القدسیة*، مصر: [بی‌نا]، ۱۳۴۴ ه.ق

- غزی عامری، اسماعیل، *حصول الانس*، دمشق: [بی‌نا]، [بی‌تا]
- فریدی مجید، فاطمه، «برآمدن و برافتادن گروس در ساختار تقسیمات کشوری ایران»، دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۱۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲
- قربانی، نقشین، *زندگی‌نامه عارف مشهور (خلیفه رضا)*، بانه: ناجی، ۱۳۹۰
- قزلجی، محمد، *التعریف بمساجد سلمیانیة و مدارسها الدینیة*، بغداد، ۱۹۳۸
- کاتب الاسرار، ملا حامد، *ریاض المشتاقین*، به کوشش ابوبکر خوانچه سپهرالدین، مهاباد: مصحح، ۱۳۸۶
- کاشفی، فخرالدین علی بن حسین، *رشحات عین الحیات*، به کوشش علی اصغر معینان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۶
- کردی، محمد امین، *تنویر القلوب فی معاملة علام الغیوب*، بیروت: چاپ نجم‌الدین امین الکردی، ۱۳۷۲
- ق.ه، چ ۷
- کیهان، مسعود، *جغرافیای مفصل ایران*، طهران: مطبعة مجلس، ۱۳۱۱، ج ۲
- الگار، حامد، *نقشبندیہ*، برگردان داود وفایی، تهران: مولی، ۱۳۹۸
- محسنی، ناصر، *جغرافیای طبیعی، اقتصادی، تاریخی و سیاسی کردستان*، بروجرد: لاویان، ۱۳۲۷، ج ۱
- محمدباقر بن محمدعلی، *مقامات حضرت خواجه نقشبند*، به کوشش: عبدالله نقشبندی مجددی شمس. تهران: گل نشر، ۱۳۸۶
- مدرس، عبدالکریم، *یادی مه‌ردان*، بغداد: انجمن علمی کرد، ج ۱، ۱۹۷۹
- همو، *یادی مه‌ردان*، بغداد: انجمن علمی کرد، ج ۲، ۱۹۸۳
- مردوخ، شیخ محمد، *تاریخ مردوخ*، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹
- مریوانی، محمد، *بیجار گروس در گذرگاه تاریخ*، قم: فقه، ۱۳۸۷
- همو، *نگاهی به تحولات گروس در جریان جنگ جهانی اول*، سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۹۵
- مطالعات میدانی پژوهشگر و پرس‌وجو از اهالی محل (به ویژه در دو روستای قرخلر و امروله)
- مفتی، شیخ محسن، *قه‌سری عاریفان و ناوہندی عیرفان و ئه‌زه‌ری کوردستان*، اربیل: [بی‌نا]، ۲۰۱۷
- مرادی، ئیره‌ج، *گه‌نجینه‌ی پزشکی حه‌کیمانی کورده‌واری*، سنندج: پرؤژ، ۱۳۹۸
- مه‌جوری، سید عبدالحکیم، *دیوانی مه‌جوری کوردستانی*، به کوشش سید جمیل نقشبندی، سنندج: کردستان، ۱۳۸۴
- میرزا سمیعا، محمد سمیع، *تذکرة الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸
- نقشبندی، محمد هادی، *سلالة پاکان: زندگی‌نامه سادات نقشبندی امروله*، سنندج: کالج، ۱۳۹۱
- وقایع‌نگار کردستانی، علی اکبر، *حدیقه ناصریه*، به کوشش محمد رثوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۸۴

- هادی، صداقت، «ابوعلی سینای کردستان»، روزنامه همشهری (ویژه استان‌ها)، ۱۳۹۵.۰۷.۰۵
- هاشمینیا، سید محمود و ملک‌محمدی، ملوک، فرهنگ مردم گروس (بیجار و حومه)، [بی‌جا]: نگارندگان، ۱۳۸۰
- الیاسی، محمدراشد، «سید محمد الیاسی، ابن سینای کردستان»، هفته‌نامه فارسی - کردی دیار کهن، س ۵، ش ۷۸، ۱۳۹۳